
حسن بصری کیست؟
مهدی آقابابایی


بسم الله الرحمن الرحیم

حسن بصری کیست؟

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حسن بصری کیست؟

مشخصات کتاب

حسن بصری کیست؟
نویسنده :مهدی آقابابایی
ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

چکیده

مقاله‌ای که پیش رو دارید دربارهی یکی از کسانی است که با اهل بیت دشمنی می‌نمود در اینجا به چهره‌ی جنجالی او، فرقه و مذهب او، مناظرات اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام با او، احادیثی که در شأن او آمده است و نظرات علمای سلف پرداخته‌ایم.

مقدمه

با نام و یاد خدا، خدا را شاکریم که توانستیم مطالبی درباره‌ی یکی از کسانی که با اهل بیت به دشمنی برخاست و با امیرالمؤمنین به ستیز پرداخت و حضرت او را نفرین کردند و تا آخر عمر مانند کسی که فرزند از دست داده باشد بود و اهل بیت مانند امام حسن و امام حسین و امام سجاد عَلَیْهِمُالسَّلَام با او مناظراتی هم نموده‌اند.
اکثر صوفیه از او سرمشق می گیرند و او را به عنوان رهبر خود قبول دارند و به عنوان قبله اهل تصوف معروف است و این کینه‌ی او با اهل بیت تا جایی پیشرفت کرد که وقتی فهمید امام حسین قصد کربلا را دارد با قتیبه بن مسلم آن شهر را ترک نمود و به یاری فرزند رسول خدا نپرداخت. در این مقاله ما نظرات علمای سلف آورده شده که این چهره را بیشتر بشناسیم.

حسن بصری را بهتر بشناسیم

نام: حسن بن ابی الحسن یسار
لقب و کنیه: ابو سعید حسن بصری
فرقه، مذهب و عقیده:
شاگرد او (ابن ابی العوجاء که از زندیقان معروف می‌باشد) درباره‌ی مذهب استاد خود حسن بصری می گوید:
«استادم آدم دیوانه‌ای بود.
سخنان بی‌اصل زیاد می گفت. گاهی قدری مذهب بود و گاهی جبری مسلک»
محل سکونت و زندگی: بصره
نسب: پدر او در دشت میسان در جنگ با مسلمانان اسیر شده بود.
دشت میسان خوزستان، دهی در پایین بصره میان واسط و بصره، نزدیکتر به اهواز که نخلستان‌های زیادی داشت و به زمان عمر بن خطاب فتح شد.
قرن: اول و دوم. (۱)
یسار که او را پیرز یا فیروز نیشابوری می‌خواندند، مهاجر به میسان متصل به درستمیان می‌شناختند، در این جنگ به اسارت گرفته

شـد و به بردگی زید بن ثابت یا بنا بر قولی ابوالیسیر کعب بن عمرو سـلمی یا به قولی مردی از بنی النجار و به قولی جابر بن عبدالله انصاری در آمـد. پس از اسارت که به مدینه طیبه منوره حرم رسول خدا، انتقال داده شد با خیره کنیز آزاد شده‌ی ام سـلمه همسـر با وفای رسول خدا ازدواج کرد، در سال ۲۱ هجری مطابق ۶۴۱ میلادی دو یا سه سال قبل از مرگ عمر بن خطاب و بنا بر این قول که حسن به روز قتـل عثمان بن عفان ۱۴ سال داشـته، یک سال پیش از قتل عمر در مـدینه این زن و شوهر دارای فرزنـد پسـری شدند، نوزاد خود را نزد عمر بردند، گفت:

او را حسن نام گذارید که نیکو روی است.

این کودک که بعـدها منشأ یک سسـله حوادث تلـخ تاریـخ گردیـد و قبله‌ی اهل تصوف شد، در وادی القری ناحیه‌ای میان مدینه و شام از توابع مدینه که مجموعه‌ی دهکده‌های بسیار است، پرورش یافت. در سال ۳۷ به مدینه آورده شد.

دوران طفـولیتش را به واسـطه مـادرش در رفت و آمـد به خانه‌هـای زنـان پیـامبر گذرانیـد و آموزش را از آن زمـان که می‌توانسـت بیاموزد، نخست نزد پدرش آغاز می‌کند.

معارف و حکمت پارسـیان را از او تعلیم می‌گیرد و سـپس دانش اسـلامی را با تلمـذ نزد انس بن مالک می‌آموزد. در همین دوره‌ی اقامت مدینه، به مسـجد نبوی می‌رفت. اصـحاب پیامبر را زیارت می‌کرد. سخنان آن را می‌شنید. در نتیجه قرآن و بسیاری از احادیث نبوی را حفظ کرد. نوشـتن و حساب را در همین دوره از اهلش فرا گرفت. عاقبت پس از اسـتفاده از حضور انس بن مالک، عبـدالله بن عباس، هرم بن حیان عبدی، عامر بن عبدقیس، احنف بن قیس، صله بن اشیم، سمره بن جندب و ابوهریره حدیث و تفسیر قرآن و فقه و اخلاق را فرا گرفت. از او اجازه روایی که مربوط به صوفیه می‌شود ادامه یافته، ابن ندیم به آن اشاره نموده است. (۲)

توضیحات:

از دوسـتان خـاص و مقربـان درگـاه حجـاج بن یوسف ثقفی بوده است و در جنـگ جمـل به یـاری امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام نرفت و درباره‌ی آن حضرت چنین می‌گوید:

اگر علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام در مدینه سکوت اختیار می‌کرد و به خوردن خرماهای بی‌ارزش قناعت می‌کرد برای او بهتر بود تا با مردم بصره جنگ نماید. هم چنین به آن حضرت می‌گوید:

«ای علی! تو در ریختن خون مردم اسـراف کردی و بسـیاری از مسـلمانان را به کشـتن دادی» امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام نیز او را نفرین نمود و در اثر آن نفرین تا زنده بود عبوس و محزون بود.

حسن بصـری، مردمان را از قیام علیه حجاج باز می‌داشت و منع می‌نمود. صـراط مسـتقیم را همان راه خلفای راشـدین بعـد از پیغمبر می‌دانست. می‌گوید:

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در زمان حیاتش یک ترس عمده داست و آن این بود که بمیرد در حالی که ابوبکر را خلیفه خود قرار نداده باشد.

امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام در شأن او می‌گوید:

ای حسن به درسـتی که در هر امـتی یـک سـامری می‌باشـد (دارد) و تو سـامری این امت هستی. ابن عسـاکر از محمـد بن زبیر نقل می‌کند که از حسن بصری پرسیدم:

آیا رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به راستی ابوبکر را جانشـین خود قرار داد؟ حسن بصـری مانند اسفندی که از روی آتش می‌جهـد برخاست و گفت: مگر درباره‌ی خلافت ابوبکر شک داری؟ به خـدا قسم که رسول خـدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم او را

جانشین خود قرار داد و ابوبکر از همه کس بهتر خدا را می‌شناخت و پرهیزگارتر از او کسی نبود و ترسش از این بود که هرگاه بمیرد بدون آن که خدا او را جانشین پیغمبر قرار دهد، هر کس به جای او جانشین پیغمبر گردد با این امت چه‌ها خواهد کرد.

حسن بصری نود سال عمر کرد و روزگار پنج تن از ائمه اطهار عَلَیْهِمُالسَّلَام را درک نمود؛ اما به نزد هیچ کدام از آن بزرگواران نرفت.

با آن که واقعه‌ی کربلا را درک نمود؛ اما از یاری حضرت ابی عبدالله عَلَیْهِ السَّلَام خود داری کرد. همچنین درباره‌ی عثمان بن عفان می گوید:

عثمان را منافقان کشتند و کفار او را خوار ساختند. حجاج بن یوسف ثقفی می گفت:

اگر می‌خواهید یک مرد حقیقی و واقعی را بشناسید به نزد حسن بصری بروید! (۳)

حسن بصری و اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام

گرفتار شدن حسن بصری به نفرین حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام

حضرت علی - علیه السّلام - حسن بصری را دید که با آب کم وضو می گیرد، به او فرمود:

ای کفتی! وضویت را پر آب ساز.

حسن بصری گفت:

کسانی را که پر آب وضو می گرفتند دیروز به قتل رساندی!! حضرت فرمود:

برای آنها غمگین هستی؟

گفت:

آری.

حضرت فرمود:

خدا غمت را طولانی گرداند.

ایوب سجستانی می گوید:

بعد از آن، حسن را همیشه غمگین می‌دیدیم؛ مانند این که از دفن عزیزی بر می گردد و یا مانند مکاری که الاغ خود را گم کرده باشد.

علت را از او پرسیدیم.

گفت:

نفرین مرد صالحی در من مؤثر واقع شد و «کفتی» در زبان نبطی به معنای «شیطان» است و مادرش در کوچکی او را به این نام نامید ولی کسی از آن خبر نداشت تا این که علی - علیه السّلام - او را به آن نام، خواند. (۴)

عبد اللّه بن سلیمان گوید مردی از اهل بصره که نامش عثمان اعمی بود به امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام عرض کرد:

حسن بصری عقیده دارد کسانی که علم را کتمان کنند گند شکمشان اهل دوزخ را اذیت کند.

امام فرمود:

بنا بر این مؤمن آل فرعون هلاک شده است!! (در صورتی که قرآن او را به کتمان ایمان ستاید)

از زمان بعثت نوح عَلَیْهِ السَّلَام علم پنهان بوده است.

حسن بصری به هر راهی که خواهد برود. به خدا علم جز در این خاندان یافت نشود. (۵)

امام صادق علیه السّلام می‌فرمود:

بپرهیزید از این رؤسایی که ریاست را به خود می‌بندند، زیرا به خدا سوگند که کفشـها دنبال سر مردی صدا نکند، جز آنکه هلاک شود و هلاک کند

(مقصود از این رؤسا حسن بصری و سفیان ثوری و ابو حنیفه و امثال آنهاست). اصول کافی – ترجمه مصطفوی / ج ۳ / ۴۰۶

دفاع حسن بصری از ابو بکر و عمر

ای برادر عبـد القیس، اگر برای مـا جـایز باشـد که برای عثمـان اسـتغفار کنیم با آن گناهان کبیره و کارهای قبیـح که مرتکب شـده است، در این صورت برای مـا جـایز خواهـد بود برای ابو بکر و عمر هم اسـتغفار کنیم، چرا که آنان از ریختن خونها خود را آسوده نگهداشـتند و در حکومت خود عفاف نشان دادنـد و خود داری کردنـد و رفتار نیک داشـتند! آنان ظلم و خلط کردن‌های عثمان را مرتکب نشدنـد و کار طلحه و زبیر را نیز انجام ندادند که بیعت را شکسـتند و خونها را به قصد دنیا و حکومت ریختند، در حالی که از پیامبر صلی اللَّه علیه و آله شنیده بودند که از آنچه مرتکب شدند و به انجام رساندند نهی می‌کرد. آنان امر خدا و رسولش را بعد از اتمام حجّت و شاهد ترک کردند چرا که امر خدا و رسول را سبک می‌شمردند.

ای برادر عبد القیس، اگر بگویی:

«ابو بکر و عمر هم از پیـامبر صـلی اللَّه علیه و آله شـنیده بودنـد آنچه در بـاره علی علیه السّـلام فرموده بود»، این مطـالب را عثمان و طلحه و زبیر هم شـنیده بودنـد ولی آنان مرتکب آن جنگ و خونریزی‌ها شدند در حالی که این دو از ارتکاب آن خود را کنار نگه داشتند. ! (۶)

پاسخ امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به سؤال حسن بصری

وی «حسن بن یسار»، مادرش «خیره» کنیز «ام سلمه»، همسر رسول خـدا صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم است، او از طرفداران «مسلک قدری» بوده و در این زمینه مکاتباتی هم با امام حسن و امام حسـین عَلَیْهِ السَّلَام داشـته است شاگردش «ابن ابی العوجا» مادی پرست معروف است که بعداً از وی دست می‌کشد، چون می‌گفت:

حسن بصـری آدم مختلطی است، گـاهی جبری می‌شـود و گـاهی قـدری و یـک عقیـده ثـابت نـدارد. «حسن بصـری» از منحرفین و معترضـین به امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام بود و در اثر نفرین آن حضـرت همیشه محزون بود گویا از دفن رفیقش برگشـته یا گمشـده‌ای داشته و می‌گفت:

«نفرین مرد صالحی دامنگیر من شده است» حضرت، لقب «سامری امت» به او داده است (۷)

«فَاتَّبِعْ مَا شَرَحْتُ لَکَ فِی الْقَدَرِ مِمَّا أُفْضِیَ إِلَیْنَا أَهْلَ الْبَیْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ یُؤْمِنْ بِالْقَدَرِ خَیْرِهِ وَ شَرِّهِ فَقَدْ کَفَرَ وَ مَنْ حَمَلَ الْمَعَاصِیَ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ افْتِرَاءً عَظِیماً إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَا یُطَاعُ بِإِکْرَاهٍ وَ لَا یُعْصَی بِغَلَبَةٍ وَ لَا یُهْمِلُ الْعِبَادَ فِی الْهَلَکَةِ لَکِنَّهُ الْمَالِکُ لِمَا مَلَّکَهُمْ وَ الْقَادِرُ لِمَا عَلَیْهِ أَقْدَرَهُمْ فَإِنِ ائْتَمَرُوا بِالطَّاعَةِ لَمْ یَکُنِ اللَّهُ صَادّاً عَنْهَا مُبْطِئاً وَ إِنِ ائْتَمَرُوا بِالْمَعْصِیَةِ فَشَاءَ أَنْ یَمُنَّ عَلَیْهِمْ فَیَحُولَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ مَا ائْتَمَرُوا بِهِ فَعَلَ وَ إِنْ لَمْ یَفْعَلْ فَلَیْسَ هُوَ حَمَلَهُمْ عَلَیْهَا قَسْراً وَ لَا کَلَّفَهُمْ جَبْراً بَلْ بِتَمْکِینِهِ إِیَّاهُمْ بَعْدَ إِعْذَارِهِ وَ إِنْذَارِهِ لَهُمْ وَ احْتِجَاجِهِ عَلَیْهِمْ طَوَّقَهُمْ وَ مَکَّنَهُمْ وَ جَعَلَ لَهُمُ السَّبِیلَ إِلَی أَخْذِ مَا إِلَیْهِ دَعَاهُمْ وَ تَرْکِ مَا عَنْهُ نَهَاهُمْ جَعَلَهُمْ مُسْتَطِیعِینَ لِأَخْذِ مَا أَمَرَهُمْ بِهِ مِنْ شَیْءٍ غَیْرِ آخِذِیهِ وَ لِتَرْکِ مَا نَهَاهُمْ عَنْهُ مِنْ شَیْءٍ غَیْرِ تَارِکِیهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ عِبَادَهُ أَقْوِیَاءَ لِمَا أَمَرَهُمْ بِهِ یَنَالُونَ بِتِلْکَ الْقُوَّةِ وَ مَا نَهَاهُمْ عَنْهُ وَ جَعَلَ الْعُذْرَ لِمَنْ یَجْعَلْ لَهُ السَّبِیلَ حَمْداً مُتَقَبَّلًا فَأَنَا عَلَی ذَلِکَ أَذْهَبُ وَ بِهِ أَقُولُ وَ اللَّهِ وَ أَنَا وَ أَصْحَابِی

أَیْضاً عَلَیْهِ وَ لَهُ الْحَمْدُ.»

«این شرحیست در مورد «قدر» که به ما اهل بیت رسیده و افاضه شده، از آن پیروی کن بدان هر کس که به «قدر» ایمان نیاورد، چه خوب و چه بد آن، کافر شده است و هر کس که گناهان را به حساب خداوند بگذارد (و خود را تبرئه کند) افترای بزرگی را به خداوند نسبت داده است.

خداوند متعال، به اجبار اطاعت نمی‌شود و به جبر هم معصیت نمی‌شود و بندگان خدا هم در حکمت (انتخاب راه) آزاد گذاشته نشده‌اند، بلکه خداوند مالك آن چیزیست که بندگان دارند و قادر بر آن چیزیست که بندگانش قدرت دارند. پس اگر بندگان، دنبال طاعت بروند، خداوند مانع نمی‌شود و اگر به دنبال معصیت بروند، اگر بخواهد بین آنها و گناه، مانعی را ایجاد می کند و اگر این کار را نکند، معنایش این نیست که پس بندگانش را جبرا بر آن مجبور ساخته است، بلکه بعد از انذار و ارشاد و اتمام حجت آنان را بر اعمال مسلط کرده است خداوند بر بندگان خود راهی نهاده است که بتوانند اوامر او را انجام دهند و منهیات او را ترك نمایید. خداوند به بندگانش نیرویی عنایت کرده تا اوامر او را انجام دهند و نواهی او را ترك نمایند حمد خدای را که بندگانش را در انجام اوامرش قوی گردانده است و با این قوه و نیرو، اوامر و نواهی او را به جا می‌آورند و آنان ی را که قدرت ترك ندارند معذور دانسته و این حمد و سپاس مورد قبول درگاهش واقع بشود من هم بر همین عقیده و مرام، معتقدم و بر طبق آن مشی می کنم به خدا سوگند! راه من و یارانم همین است و حمد مخصوص خداوند می‌باشد». (۸)

نصیحت امام حسین به حسن بصری

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در مقابل حسن بصری ایستاد در حالی که حسن بصری، حضرت را نمی‌شناخت سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَام به او فرمود:

«آیا (چنین حالتی را) برای روز قیامت خود می‌پسندی؟

گفت:

نه، حضرت فرمود:

چه کسی از تو، به خودش خیانتکارتر است در حالی که آنچه را برای آن روز نمی‌پسندی، ترك کنی!» آنگاه سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَام رفت حسن بصری پرسید:

این شخص که بود؟».

گفتند:

«حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَام است».

گفت:

«مطلب بر من آسان شد». (۹)

مخالفت شخصیتهای علمی با حسن بصری

به لحاظ این که امثال اکبر ثبوت با غرض تمام کمر همت به تطهیر حسن بصری منافق بسته‌اند و عجیب است که هر کجا آرای مخالفانی نظیر علامه مجلسی و علامه ملامحسن فیض کاشانی را نقل کرده، عین نظریات آن بزرگان را نیاورده است و در دفاع از حسن بصری به اقوال شیخ صدوق و سید مرتضی و قاضی نورالله شو شتری که او را شیعه تراش خوانده‌اند، اشاره نموده‌اند، شنونده یا خواننده اگر با نحوه‌ی رد و قبول نقلی و عقلی به سبك و سیاق مرسوم آشنا نباشد، تحت تاثیر خوشنامی این چند شخصیت

بلندپایه دینی قرار گرفته، ممکن است در نتیجه گیری دچار اشتباه شود. ما برای چنین افرادی یا حتی آن عده از خوانندگان که به روش مرسوم تحقیقات مختلف واقف هستند، آرای پیشوایان دینی و شخصیت‌های علمی اسلامی - شیعی را در این جا به آن می‌پردازیم.

علامه حلی که از مفاخر سرشناس و صاحب مراتب علمی است، می‌فرماید:

«حسن بصری از اعداء اهل بیت عصمت و طهارت است.» (۱۰)

فضل بن شاذان شخصیت نادرالوجود عالم اسلام، شاگرد تربیت شده حضرت امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«او به هر طایفه به مقتضای هوی و هوس ایشان همراهی نمود و آن [روش] را وسیله‌ی کسب ریاست دنیوی می‌کرد و با این حال رئیس قدریه بود.» (۱۱)

علامه طبرسی در کتاب معروف خود «احتجاج» به مقابله‌ی کفرآمیز حسن بصری با علی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره نموده، می‌گوید:

«حسن کسی بود که با اهل هر فرقه به آنچه دوست داشتند مماشات می‌کرد و برای ریاست، رنگ عوض می‌کرد و رئیس قدریه بود». (۱۲)

عمادالدین طبری می‌نویسد:

حسن بصری از دشمنان علی و فرزند او بود و در روز عاشورا علاوه بر این که حسین عَلَيْهِ السَّلَام را یاری نکرد از او دوی گزید و همراه لشکریان شام بود» (۱۳)

علامه سید نعمت الله جزایری از مفاخر و مشاهیر عالم تشیع، در شرح تهذیب طوسی به مناسبت از این که از صوفیه ذکری به میان می‌آید، می‌فرماید:

«صوفیه دشمنان دین هستند و از آغاز بدعت‌هایی در دین گذارده و هم اکنون اثرات بدعت‌های نامبردگان باقی است؛ عده‌ای از آنها از قبیل حسن بصری و سفیان ثوری و امثال ایشان که در روزگار ائمه طاهرین می‌زیسته‌اند، با آنها طرف نقیض بودند و پس از عصر غیبت با اعلام دین، که علماء اهل بیت اند، به ضدیت برخاستند و اخبار بسیاری در لعن و طرد نامبردگان رسیده، مخصوصاً مردم را به اجتناب از آنها خوانده‌اند.» (۱۴)

علامه عارف شیخ بهایی که از اکابر بزرگان نوابغ جهان اسلام است، در کتاب کشکول، برخورد حسن بصری با امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام را نقل کرده‌اند.

علامه میر سید حسین نواده‌ی دختری محقق ثانی معاصر با شاه عباس دربارهی حسن بصری مورد سؤال قرار می‌گیرد، می‌فرماید:

«شکی در این نیست که این حسن، غیر حسن (مجتبی) است، واجب است لعن او؛ او اشد اعداء است.» (۱۵)

علامه مجلسی در مورد حسن بصری به انحرافات او اشاره نموده، نسبت به او نقل می‌نماید. (۱۶) عیناً نقل کرده است که علی عَلَيْهِ السَّلَام او را سامری خوانده (۱۷) و به چند ماجرای طولانی بین حسن بصری و امام سجاد و امام باقر علیهما السلام اشاره نموده، فرموده دلالت بر شقاوت حسن بصری دارد (۱۸)

امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

اگر حسن خواهد به جهت راست برود و اگر خواهد به جانب چپ، علم یافت نمی‌شود مگر نزد ما اهل بیت عَلَيْهِمُ‌السَّلَام. (۱۹)

علامه ملا محسن فیض کاشانی – قدس الله روحه العزیز – حسن بصری را منافق و مبغض علی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام شناخته و این که حضرت او را سامری خوانده است.

(۲۰)

علامه شیخ حر عاملی می‌نویسد:

«حسن بصری از جمله کسانی است که صوفیان فریبش را خورده‌اند.

وی از خط اهل بیت و از پیروی آنان سربرتافته است.» (۲۱)

علامه محدث قمی در تحقیق پیرامون زهاد ثمانیه، او را از جمله چهار زاهد باطل می‌دانند. (۲۲)

علامه حاج میرزا حبیب الله خویی، شارح نهج البلاغه نسبت به حسن بصـری بر این عقیده است، جواب نامه حضرت امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام به حسن بصری دلیل طعن بر او و اتباعش می‌باشد.» (۲۳)

جای دیگر می‌فرماید آنچه درباره‌ی امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام و حسن بصری نقل شده است، نشان سوء حال حسن می‌باشد. (۲۴)

و با «کان اعداء آل محمد کالحسن البصری و سفیان ثوری و ابی هاشم الکوفی» (۲۵) آخرین حرف را درباره‌ی او می‌زند.

عماد طبری مورخ نامور و سرشناس، پس از نقل افعال و اعمال قبیح حسن بصری می‌نویسد:

«مخالفان (خلافت و امامت ائمه طاهرین) چون نام حسن و حسـین علیهما السـلام برنـد جهت تَحقیر، الف و لام را طرح کنند و چون نام حسن بصری را برند با الف و لام گویند برای (این که) حسن بصری از جمله دشمنان رسول بود.» (۲۶)

روزی گفت:

إِنَّ عُثْمَانَ قَتَلَهُ كُفَّارٌ وَ خَذَلَهُ الْمُنَافِقُونَ

به درستی که عثمان را کفار کشتند و منافقان او را خوار کردند

و باز گفته است که:

«لَمْ يَكُنْ بِالمَدينهْ يَوْمَ قُتِلَ عُثْمَانُ أِلَّا قَاتِل أَوْ خَاذِل؟؛

نبود در مدینه روزی که عثمان را کشتند مگر کشنده یا خوار کننده

و جمله مهاجر و انصار را به کفر نفاق منسوب کرده.

حاصل که اگر ایشان را محبت بودی این عـداوت نبود و ناچار که دوست دوست بود اینجا بر عکس است و حسن بصـری از علی و حسن و حسین عَلَيْهِمُالسَّلَام تخلف کرد و به واقعه‌ی کربلا چون وقوف یافت با قتیبه بن مسلم و لشکر حجاج به خراسان رفت. (۲۷)

علامه خوانساری (میر سید محمد باقر خوانساری اصفهانی) رجال شناس محقق در حق حسن بصری می‌نویسد:

«حسن دین خـدا را نـابود ساخت و آیین رسول او را ریشه کن نمود و احکام او را تغییر داد و شـرایع اسـلام را عوض کرد. حسن از مرام اموی‌ها پیروی کرد و با شدت هر چه تمام‌تر به خواسته‌های شوم آنها کمک نمود و شجره‌ی خبیثه دوستی آنان را در دل (خود و) تابعانش پرورش می‌داد. هم اکنون اشعری مذهبان، هنوز از عقیده‌های فاسد او دست برنداشته‌اند.

آری او بنیان حق را با تیشه بـد باطنی خود از بن برانـداخت و آتش باطل را دامن زد و بالاخره آنقـدر آثار شوم و نکبت بار از او به جا مانده که ما را شمارش آنها خسته می‌کند.» (۲۸)

خلاصه کلام او درباره‌ی حسن بصری نسبت به علی امیرالمؤمنین این است:

«بدیهیست حسن انسان شایسته‌ای نبوده، لعن او واجب است و او از همه‌ی مخالفان بیشتر با علی مخالفت می‌نمود.» (۲۹)

آیت الله العظمی شیخ الشـریعه اصفهانی – متوفی ۱۳۳۹ – در رساله «قاعـده لا ضـرر» حسن بصـری را از راویان حدیث اهل سـنت می‌داند.

آیت الله علامه محدث حاج سید علی میلانی – دام ظله – در جواب سؤالی از محضرشان شده است مرقوم داشته‌اند:

«بسمه تعالی

سلاـم علیکم مرحوم علاـمه بی‌نظیر سـید میر حامـد حسـین صاحب کتاب عبقات الانوار در کتاب «استـقصاء الافهام» راجع به حسـن

بصری بحث کرده، روایت احتجاج و غیر آن را که حسن بصری به حضرت امیر عَلَیْهِ السَّلَام عرض کرده:

«قتلت الْوَفَا مِمَّنْ کَانَ یُسْبِغُ الْوُضُوءَ »

و نفرین حضرت را، نقل نموده و نیز از آن حضرت روایت « سَامِرِیُّ هَذِهِ الْأَمَهْ » را روایت کرده و از بعضی بزرگان چون شیخ حر عاملی آورده‌اند که حسن بصری از دشمنان امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام بوده است.

المیلانی» (۳۰)

عارف زاهد حاج میرزا علی اکبر نهاوندی که کشف و کراماتی از او نقل شده است و ماجرای اقامه نمازشان در صحن مطهر علی امیرالمؤمنین، به اصرار آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی مشهود است که موقع اقامه گفتن ندای غیبی می‌شنود. (۳۱)

دربارهی زهاد ثمانیه تحقیق داشته، به حسن بصری که می‌رسند می‌نویسند:

«از آن چهار نفر مذموم، حسن بن ابی الحسن بصری است.» (۳۲)

علامه ذوفنون وحید بهبهانی می‌نویسد:

«بدی حال حسن بصری نزد فقهاء و اعیان شیعه اظهر و اشهر است از بدی فرعون و شیطان». (۳۳)

علامه مدرس میرزا محمد علی رجال شناس مورد اعتماد، آنجا که از «زهاد ثمانیه» نام می‌برد، معتقد است:

«چهار تن اول حقاً و صرفاً از زهاد اتقیاء و از اصحاب امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام و چهار تن دیگر باطل و از زهاد اشقیاء و مخالف آن حضرت و زهد ظاهری و ورع صوری ایشان محض راه تدلیس و تلبیس و شیطنت و مردم فریبی بوده است.» (۳۴)

زهاد ثمانیه عبارتند از:

۱ – ربیع بن خثیم،

۲ – هرم بن حیان عبدی،

۳ – اویس قرنی،

۴ – عامر بن عبد بن قیس،

۵ – عبدالله بن ثوب،

۶ – مسروق بن اجدع،

۷ – حسن بصری،

۸ – اسود بن یزید (برید یا بریر) (۳۵)

حسن بصری را از جمله زهاد اشقیاء نام می‌برد.

ملا محمد طاهر قمی دربارهی حسن بصری می‌نویسد:

«بدان که حسن بصری غریق در بدعت و ضلالت و مقتدای ارباب شقاوت است.» (۳۶)

فقیه مجاهد میرزای قمی – رحمه الله علیه – وجود احمد غزالی و حسن بصری در شجره‌های صوفیه را دلیل بر بی‌اعتباری آن می‌داند.» (۳۷)

علامه محدث رجال شناس حج شیخ علی نمازی شاهرودی علیه الرحمه در رجال خود از آنچه دربارهی سحن بصری گفته شده، نتیجه گرفته است که وی از اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام منحرف بود و عقائد صحیحی نداشته است.

ایشان می‌نویسد:

«کَانَ مُنْحَرِفًا عَنْ أَهْلِ الْبَیْتِ مَذْمُومًا عِنْدَهُمْ وَ کَانَ مِخْلَطٌ فِی عَقَائِدِه» (۳۸)

و در جلد دوم مستدرک سفینه مذمت‌های او را نقل کرده است.

علامه محدث هاشم معروف الحسنی که از محققان و حدیث شناسان متخصص در رجال می‌باشند، حسن بصری را از جمله کسانی می‌داند که در احادیث تدلیس، فریب کاری فراوان کرده است.
(۳۹)

و او را استاد فرقه سازانی مانند عمرو بن عبید و واصل بن عطاء می‌داند. (۴۰)

آیت الله حاج سید حسن صدر معاصر میرزای شیرازی کتابی به نام بنیان گذاران فرهنگ اسلام را تدوین نموده، با این که به بنیان گذاران فقه و علم الحدیث و کلام از عصر رسول خدا اشاره کرده، نامی از حسن بصری نمی‌برد.

خطیب محقق مجاهد مدافع حقوق شیعه سلطان الواعظین شیرازی، حسن بصری را از دام گستران دانسته، معتقدند:

«درباره‌ی آیات و احادیث إعمالِ نظر شخصی می‌نمود، رای خویش را صائب دانسته، موجب اضلال جمعی از مردم بی‌خرد شد و سبب فتح باب در إعمال نظر شخصی در مقابل اهل بیت گردید» (۴۱)

در اثر دیگر خود او را از علماء اهل سنت معرفی کرده (۴۲) و آنجا نام عده‌ای را به عنوان مخالف ائمه می‌برد، درباره‌ی حسن بصری اشاره دارد که از مخالفان فقیهی ایشان بوده است.» (۴۳)

استاد محقق مصطفوی مترجم بزرگوار احتجاج طبرسی، درباره‌ی حسن بصری می‌نویسد:

«در جنگ جمل و صفین، خود را کنار کشیده و مردم را نیز از یاری امیرالمؤمنین منحرف می‌کرد. او یکی از زهاد ثمانیه است.

حسن بصری روی غرور و عجب که مورد ابتلای اغلب زهاد و مقدسین است، از خانواده‌ی پیغمبر که مرکز علم و معرفت بودند منحرف شده و از مشرب حقیقت و عرفان آنان محروم گردید.» (۴۴)

استاد محقق علی دوانی که از رجال شناسان و مورخان معاصر به شمار می‌روند، می‌نویسند:

«حسن بصری از علماء و زهاد عامه است و با دشمنی با علی امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام معروف است.

او رئیس قدریه است.» (۴۵)

محقق مدقق اسماعیل انصاری زنجانی که برای نخستین بار در فشار شدید دوره‌ی قبل از انقلاب، کتاب شریف و مقدس سلیم بن قیس را به چاپ رسانید و چه ناراحتی‌ها را تحمل نمودند می‌نویسند:

«حسن بصری از مخالفین امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان بود و به حضرت اعتراض می‌کرد چرا خون‌های مسلمین را به زمین می‌ریزد؟» (۴۶)

نویسنده محقق مرحوم داود الهامی پس از بحث جامع و تحقیقی که پیرامون غریبه بودن تصوف با تشیع دارد و موضوعات گوناگونی را از حسن بصری نقل می‌کند که بی‌اعتقادی او را نسبت به علی امیرالمؤمنین به اثبات می‌رساند، می‌نویسد:

«اهل سنت حسن بصری را از زهاد شمرده‌اند و در تذکره و نفحات برای وی کراماتی ذکر کرده‌اند؛ ولی علامه‌ی حلی و سایر علمای شیعه، عموماً او را فاسد العقیده و ریا کار می‌دانند.» «او نه تنها در جنگ‌ها به امام یاری نکرد، بلکه به امام اعتراض و ایراد می‌کند که چرا با مسلمانان جنگ می‌کند و خون آنان را می‌ریزد.» (۴۷)

دکتر فرج اله عفیفی در اثر خود حسن بصری را از مخالفین اهل بیت می‌داند که با حاکمان بنی امیه نظیر حجاج بن یوسف ثقفی ارتباط نزدیک داشته است.
(۴۸)

نویسنده‌ی جوان و فاضل آقای سید محمد حسین فقیه ایمانی، حسن بصری را در زمره دشمنان علی عَلَیْهِ السَّلَام می‌داند و جاری شدن سلسله از حضرت به وسیله حسن را فتنه صوفیه می‌داند و متذکر می‌شود که چنین ادعایی از جمله روش‌های تخریب ولایت خاندان رسالت است تا حقایق را با اباطیل مخلوط سازند.» (۴۹)

پژوهشگر مجاهد آقای حاج شیخ محمد مردانی می‌نویسد:

«باید توجه نمود در کتب شیعه نه تنها از حسن بصری به نیکی یاد نشده، بلکه مطالبی از ائمه اطهار عَلَیْهِمُ‌السَّلَام مخصوصاً از حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام نقل گردیده که خیانت حسن بصری را آشکار می‌نماید.» (۵۰)

آیت الله علامه سید حامد حسین اللکهنوی

حسن بصری از مشهورترین ائمه و بزرگان فقهاء و محدثین نزد عامه — اهل سنت- شمرده می شود. عامه او را به ارزشمندترین توصیفات و عظیم ترین از فضائل توصیف کردند. با این همه توصیات عامه نسبت به حسن بصری، بنابر اعتقاد خود عامه، حسن محکوم به کفر است؛ چون او معتقد بود که شر از جانب خداست و هر کسی که قائل به این حرف شود، نزد عامه کافر است.

حسن بصری و شطرنج

یکی از سرگرمی‌های حسن بصری، بازی او با شطرنج بوده است و حال این که در اخبار وارد شده که بازی کننده‌ی با شطرنج ملعون می‌باشد و حتی احادیث وارد شده که شطرنج و بازی با آن را محکوم به حرمت دانسته و بالاتر از آن نظر کردن به شطرنج را از محرمات الهی می‌شمارد.

(امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام:

مَنْ نَظَرَ اِلَیها کَمَنْ نَظَرَ اِلی فَرْجِ اُمِّهِ).

حسن بصری و نسبت معصیت دادن به یوسف نبی عَلَیْهِ السَّلَام:

حسن بصری جزء کسانی می‌باشد که به حضرت یوسف عَلَیْهِ السَّلَام نسبت معصیت داده است.

این مطلب از کلام رازی به دست می‌آید که حاکی آن است که این کلام منسوب به حسن است.

(۵۱)

در پایان نظر شما را به چند روایت زیبا پیرامون عرفان حقیقی جلب می‌نماییم:

در مذمت بزرگداشت دشمنان اهل بیت عَلَیْهِمُ‌السَّلَام

عن مولانا ابوالحسن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام عن ابائه عن رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم عن جبرئیل عن الله تعالی قال:

مَنْ عادی اولیایی فقد بارزنی بالمحاربه و من حارب اهل بیت نبیی فقد حلَّ علیه عذابی و من تولی غیرهم فقد حلَّ علیه غضبی و من اعز غیرهم فقد آذانی و من آذانی فله النار. (۵۲)

مولایمان امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام از جد بزرگوارشان رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نقل می کند که خداوند فرمود:

هر کس با دوستان من دشمنی بورزد، همانا به جنگ با من برخاسته است؛ هر کس با اهل بیت پیامبر من صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم جنگ نماید همانا عذاب من شامل حال او می گردد؛ هر کس که دوست دار غیر از ایشان (اهل بیت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم) باشد همانا غضب من دامنگیر وی خواهد شد و هر کس غیر از ایشان را عزیز و گرامی بدارد مرا آزرده است؛ پس آتش جهنم برای وی حتمی است.

صد شکر که نه شافعی و حنبلیم

نه پیرو ابن انس و کابلیم (منظور ابوحنیفه است)

با مذهب این و آن نباشد کارم

من تابع قول و فعل آل علیم عَلَیْهِ السَّلَام

« طَلَبِ الْمَعَارِفِ مِنْ غَیْرِ طَرِیقَتِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ مساوق لانکارنا »

هر کس بخواهـد عرفـان و حقیقت دین خویش را از منبع دیگری به غیر از مـا اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام اخـذ نمایـد گویا که ما را انکار نموده باشد.

(۵۳)

«انه لیس عند احد من الناس حق و لا صواب الا شیء اخذه منا اهل البیت»

همانا در نزد هیـچ دسته و گروه از مردم؛ حقیقت و راه درستی وجود ندارد مگر آن چیزی که در نزد ما اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام صادر شده باشد.

(۵۴)

و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَیْهِمُالسَّلَام بر این مطلب تاکید نموده‌اند که:

«بنا عبد الله و بنا عرف الله، بنا وحدالله»...

همانا فقط با راه و برنامه ما اهل بیت است که می‌توان خداوند را عبادت نمود و به او عرفان پیدا کرد و موحد گردید. (۵۵)

[کتابشناسی]

شرح حال، عقاید و آراء حسن بصری در این منابع آمده است:

ابن سعد / طبقات ۷ / ۱۵۷ – ۲۴۷.

ابن حبیب / المحبّر ۳۷۸. ابن قتیبه /

عیون الاخبار ۲ / ۳۴۴.

ابن قتیبه / تأویل مختلف الحدیث ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۴.

طبری / تاریخ ۲ / ۱۴۶. چاپ اروپا ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲.

جاحظ / البیان ۱ / ۲۳۹، ۳۰۴، ۲ / ۲۲۶، ۳ / ۶۸ – ۸۸.

قشیری / الرساله ۷۱.

مکی / قوت القلوب ۱ / ۱۵۳، ۳۱۲، ۳۰۴..

ابن عبد ربه / العقد ۱ /۱۲.

طبری / تفسیر ۲۳ / ۸۴، ۱ / ۴۵۶ – ۴۵۹.

ابن جوزی / آداب الحسن البصری ۵۰ – ۵۶.

ابن جوزی / سیره عمر بن عبد العزیز ۱۲۱، ۱۲۴..

عطار / تذکره‌ی الاولیاء ۱ / ۲۴.

ابن مرتضی / المنیه و الامل ۱۴.

سید مرتضی / الامالی ۱ / ۱۱۲.

ابو نعیم اصفهانی / حلیة الاولیاء ۲ / ۱۳۰ – ۱۵۸، ۳ /۴ –۱۲.

ابن خلکان / وفیات الاعیان ۱ / ۳۵۴ – ۳۵۵.

زکی صفوت / جمهره رسائل العرب ۲ / ۴۸۱ – ۴۸۲، ۴۷۱ – ۴۷۵.

طبرسی / الاحتجاج ۲ / ۴۳. ن. ک: شرح حال و عقاید کلامی – سیاسی حسن بصری در: عبد الرحمن بدوی / تاریخ تصوّف اسلامی (ترجمه محمود رضا افتخارزاده) معارف اسلامی. تهران. ۱۳۷۴ ش.

در مقاله‌های بعدی آرای پیشوایان عالی رتبه دینی و استنباط خویش را از گزارش تاریخ، نسبت به حسن بصری از علمایی چون، آیات عظام:

سید ابراهیم میلانی، سید ابوالقاسم خویی، سید علی سیستانی، جواد تبریزی، حسن طباطبایی قمی، حسین وحید خراسانی، شیخ حسین مظاهر ی، سید صادق شیرازی، عبدالحمید شربیانی، سید عزالدین زنجانی، علی صافی گلپایگانی، لطف الله صافی گلپایگانی، محمد تقی بهجت، مکارم شیرازی، محمد تقی مجلسی، محمد تقی مدرسی، سید محمد سعید طباطبایی حکیم، سید محمد صادق روحانی و یعسوب الدین رستگاری جویباری را ذکر خواهیم نمود.

ادامه دارد...

پی‌نوشتها:

(۱) – عرفان حقیقی / ص۱۷۸

(۲) – حسن بصری از واقعیت تا افسانه / ص۳۳.

(۳) – عرفان حقیقی / صص ۱۷۸ – ۱۸۰.

(۴) – جلوه‌های اعجاز معصومین عَلَیْهِمُالسَّلَام / ص ۴۰۲.

(۵) – اصول کافی، ترجمه مصطفوی / ج ۱ / ص ۶۵.

(۶) – اسرار آل محمد عَلَیْهِمُالسَّلَام / ص ۵۹۹.

(۷) – توحید صدوق، ۲۵۳بحار، ۴۱ / ۳۰۲، سفینه، «حسن») در مورد «قدر».

(۸) – تاریخ یعقوبی / ج۲ / ص ۲۴۶.

(۹) – همان / ج۲ / ص ۲۴۶.

(۱۰) – تحفه الاخیار / ص۱۴۹ پاورقی به نقل از نهج الحق.

(۱۱) – اختیار معرفه الرجال / ج۲ / ص۹۷ و بنیان رفیع / ص۲۹۲.

(۱۲) – رجال کشی / ص۹۷.

(۱۳ –) اسرار الامامه / ص۳۹۹.

(۱۴) – ترجمه روضات الجنات فی احوال علماء و السادات / ج۳ / ص ۲۶۲ – ۲۶۳.

(۱۵) – بنیان رفیع / ص ۲۹۳.

(۱۶) – بحارالانوار / ج۷ / ص۱۳۷.

(۱۷) – بحارالانوار / ج۴۲ / ص۱۴۱ – ۱۴۲.

(۱۸) – عین الحیات / ص ۵۷۹.

(۱۹) – همان / ص۵۷۹.

(۲۰) – محجه البیضاء / ج۱ / ص ۸۷.

(۲۱) – اثنی عشریه / صص۱۷۱ – ۱۷۳.

(۲۲) – هدیه الاحباب / ص۱۴۷.

(۲۳) – منهاج البراعه / ج۱۴ / ص۷.

(۲۴) – همان ماخذ / ج۱۴ / ص۸.

(۲۵) – همان مأخذ / ج۳ / ص ۲۴۷.

(۲۶) – کامل بهایی / ج۲ / باب ۲۰ / ص ۸۵ – ۸۶.

(۲۷) – همان / ص ۸۶.

(۲۸) – ترجمه روضات الجنات فی احوال العلماء و سادات / ج۳ / ص ۲۵۸.

(۲۹) – همان مدرک پیشین.

(۳۰) – حسن بصری از واقعیت تا افسانه / ص ۶۵ – ۶۶.

(۳۱) – کرامت دلبران در حدیث دیگران / ص ۱۰۲.

(۳۲) – بنیان رفیع در حالات خواجه ربیع / ص ۲۹۲.

(۳۳) – خیراتیه / ج۱ / ص ۶۷.

(۳۴) – ریحانه الادب / ج۲ / ص ۳۹۵.

(۳۵) – همان / ج۱ / ص۱۶۷.

(۳۶) – تحفه الاخیار / ص ۱۴۵.

(۳۷) – سه رساله در نقد عرفان، تصحیح حسین لطفی / ص۱۱۱.

(۳۸) – مستدرک الوسایل / ج۲ / ص ۳۵۶.

(۳۹) – اخبار و آثار ساختگی، ترجمه آقای حسین صابری / ص۸۳ – ۸۴.

(۴۰) – شیعه در برابر معتزله و اشاعره / ص ۱۶۱ – ۱۶۳.

(۴۱) – گروه رستگاران / ج۲ / ص ۱۵ – ۱۶.

(۴۲) – شب‌های پیشاور / چاپ جدید / ص۴۶۲ و ۹۰۶.

(۴۳) – همان / ص ۹۳۶.

(۴۴) – ترجمه احتجاج طبرسی / ج۱ / ص۱۱ پارقی.

(۴۵) – مفاخر اسلام / ص ۱۴۹ پاورقی.

(۴۶) – اسرار آل محمد، چاپ جدید / ص۶۰۳ پاورقی.

(۴۷) – موضع تشیع در برابر تصوف / ص ۱۱۳.

(۴۸) – صوفیان و حدیث سازی / ص ۸۸ و ۱۶۱.

(۴۹) – خرقه مستوجب آتش.

(۵۰) – مناظرات و مکاتبات / ص ۹۲.

(۵۱) – حسن بصری از واقعیت تا افسانه / ص۶۶.

(۵۲) – اصول کافی / ج۱ / ص ۱۴۴.

(۵۳) – پیام امام زمان عَلَیْهِ السَّلَام / ص ۷۳.

(۵۴) – میزان الحکمه / ج۶ / ص ۵۳۴، باب ۲۹۲۲.

(۵۵) – اثبات الهداه / ج۱ / ص ۵۹.

منابع و مآخذ

کامل بهایی / حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری مشهور به عمادالدین طبری / موسسه طبع و نشر قم / شعبان ۱۳۷۶ه. ق.

حسن بصری از واقعیت تا افسانه / دکتر آرمین شیروانی / نشر راه نیکان / چاپ اول، ۱۳۸۹.

خیراتیه / علامه بهبهانی

شبهای پیشاور / سلطان الواعظین شیرازی / انتشارات دارالکتب الاسلامیه / چاپ سی و نهم، سال ۱۳۷۹

عین الحیات / علامه مجلسی / انتشارات کتابفروشی اسلامیه / چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۷ش.

اسرار آل محمد / سلیم بن قیس هلالی / ترجمه اسماعیل انصاری خوئینی / انتشارات دلیل ما / چاپ اول، پاییز ۱۳۸۰ش.

عرفان حقیقی / دکتر علیرضا فقیهی / انتشارات حاذق / چاپ دوم، شعبان ۱۴۲۸ق.

میزان الحکمه / محمد محمدی ری شهری / انتشارات دارالحدیث / چاپ سوم، سال ۱۳۸۱ش.

اصول کافی / محمد بن یعقوب کلینی / ترجمه مصطفوی / انتشارات دارالکتب الاسلامیه / چاپ اول، تهران.

مفاخر اسلام / علی دوانی /

احتجاج / احمد بن علی طبرسی / ترجمه غفاری مازندرانی / ناشر مرتضوی / چاپ اول، تهران.

بحارالانوار / علامه مجلسی / انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹